

پژوهشی در باب دینداری و مشارکت سیاسی

(مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج)

بیژن زارع^۱
مجید روهنده^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۱۳

چکیده

اندیشه مشارکت سیاسی از آنجا شکل گرفت که مردم حق تعیین سرنوشت خود را دارند و به نوعی باید قدرت مهارنشده حاکمان در رأس هرم قدرت را محدود کرد، چه دولت نماینده مردم است و باید پاسخگوی مردم خود هم باشد. تجلی این تحدید قدرت حاکمان در گرو مشارکت شهروندان در سرنوشت خود بوده است. این تحقیق با توجه به تأکید زیاد دین مبین اسلام بر کار گروهی و مشارکت در امور جامعه؛ به دنبال بررسی رابطه بین میزان دینداری و مشارکت سیاسی است. این مطالعه، به شیوه پیمایشی بر روی ۴۰۰ نفر از شهروندان شهر کرج، به عنوان نمونه اجرا شد که نتایج تحقیق نشان از این دارد که بین دینداری و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد که با توجه به آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد مناسکی، پیامدی، اعتقادی و تجربی دینداری با مشارکت سیاسی رابطه مثبتی برقرار می‌باشد. همچنین نتایج آزمون ضریب همبستگی چندگانه نشان می‌دهد که همبستگی متوسطی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته وجود دارد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۲۴۳ نشان می‌دهد که حدود ۲۴/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته مشارکت سیاسی توسط متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شوند. نتایج این آزمون حاکی از آن است، بعد مناسکی و بعد پیامدی دینداری بیشترین سهم معنی‌دار را در پیش‌بینی پراکندگی مشارکت سیاسی دارا می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ مشارکتی، مشارکت سیاسی، انگیزه سیاسی، دینداری.

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (* نویسنده مسئول)

۱. مقدمه و طرح مسئله

یکی از اساسی‌ترین صورت‌های روابط اجتماعی از گذشته تاکنون، مفهوم مشارکت^۱ بوده که در سده‌های اخیر همزمان با افزایش آگاهی‌های عمومی، بحث آن روندی شتابان گرفت. مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرآیند تعاملی بین کنش‌گر و محیط اجتماعی او در راستای نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده‌اند؛ فرآیندی که افراد جامعه به صورت آگاهانه و جمعی، با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن آن‌ها در منابع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند (غفاری، ۱۳۸۰).

مشارکت سیاسی^۲ به عنوان یکی از انواع مشارکت از شاخص‌های توسعه فرهنگی^۳، توسعه سیاسی^۴ و توسعه اجتماعی^۵ در کشورها به شمار می‌رود و از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است (عبداللهی، ۲۰۱۱: ۴۱۸۹). از مؤثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و با دوام، همان جلب مشارکت مردم در فرآیند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا است (استوکز، ۲۰۰۳: ۳۶۱-۳۷۸).

اندیشه مشارکت سیاسی بدان سبب شکل گرفت که مردم حق تعیین سرنوشت خود را دارند و به نوعی باید قدرت مهارنشده حاکمان در رأس هرم قدرت را محدود کرد، چه دولت نماینده مردم است و باید پاسخگوی مردم خود هم باشد. تجلی این تحدید قدرت حاکمان در گرو مشارکت شهروندان در سرنوشت خود بوده است، زیرا از رهگذر مشارکت و درگیر ساختن توده مردم در حیات سیاسی و اجتماعی است که زمینه‌های ثبات و پایداری نظام سیاسی تحقق می‌یابد و از طرف دیگر، مشارکت مردم در حکومت قدرت چانه‌زنی شهروندان را در قبال تنها قدرت قانونی حاکم بالا برده و به تبع آن به بار نشستن آرمان‌ها و آمال توده‌ها را باعث می‌گردد.

اساسی‌ترین مؤلفه قدرت سیاسی در تمام نظام‌های سیاسی، مقوله حقانیت یا همان مشروعیت است که پدیداری، پویایی، پایایی و میرایی هر دولت و تبعاً دولت مردم‌سالار نسبتی ضروری با آن دارد. اساس حکومت مردم‌سالار، اعتقاد و اعتماد جمهور ملت به بنیادهای قدرت سیاسی است و اصولاً بدون چنین اعتقاد و اعتمادی دموکراسی به معنای

-
1. Participation
 2. Political Participation
 3. Cultural Development
 4. Political Development
 5. Social Development

حقیقی کلمه تحقق نمی‌یابد. بارزترین نمود عینی‌ساز و کارهای دموکراتیک، مشارکت جمعی است. بنابراین دموکراسی مقوم به مشارکت جمعی اکثریت- بنیاد است. بدون شناسایی و تضمین حق مشارکت شهروندان در امور عمومی سخن گفتن از دموکراسی بی‌مورد است. بدیهی است مشارکت موردنظر هنگامی به کمال مطلوب خود نزدیک می‌شود که دارای گستره، ژرفا و بُرد موضوعی قابل توجه و معقول باشد، چه در غیر این صورت امکان دگردیسی حکومت دموکراسی به نوعی آریستوکراسی یا حتی الیگارشی پنهان دور از ذهن نخواهد بود. مفهوم مشارکت جمعی آن است که شهروندان جامعه بتوانند با توسل به روش‌های قانونی در عرصه عمومی حضور یافته و به صورت بندی قدرت پردازند. به عبارت دیگر، مشارکت حقیقی آن است که هر شهروندی بتواند با تمسک به مجاری و سازوکارهای مختلف در روند تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت کلان و خرد جامعه شرکت و نظارت کرده و در صورت تمایل بتواند با احراز صلاحیت‌ها و توانمندی‌های خاصی به هرم فوقانی قدرت اجتماعی نیز صعود نماید.

یکی از مباحثی که در مشارکت سیاسی بر آن تأکید می‌شود موضوع دین^۱ و دینداری است. از آنجا که باورهای مذهبی نقش اساسی در جامعه‌پذیری افراد ایفا می‌کنند، تحقیقات بسیاری در این زمینه نگاشته شده که همگی بر تأثیر دینداری بر مشارکت شهروندان در امور جامعه تأکید دارند.

به اعتقاد جونز و لیل^۲، یکی از مهمترین عواملی که بر روی رفتار مشارکتی و رفتار انتخاباتی افراد تأثیر می‌گذارد، جهت‌گیری دینی و دینداری افراد است (جونز و لیل، ۲۰۰۱: ۷۵۱-۷۷۰). عامل دین به لحاظ گستره اجتماعی بودن آن در شکل‌گیری، تحکیم و تقویت روابط اجتماعی تأثیرگذار است. دین اساساً با نمادهایی سروکار دارد که غیر عینی‌اند و احساسات، ارزش‌ها و امیدهای مؤمنان را بیان می‌کند یا جریان کنش متقابل میان انسان‌ها و اعیان خارجی را سازمان داده و به نظم می‌کشد، یا کل مجموعه اذهان و اعیان را جمع-بندی می‌کند و یا زمینه این کل را نشان می‌دهد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۵). دینداری عبارت خواهد بود از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۹۰)؛ و دیندار کسی است که با آگاهی (اگر چه در حداقل) به اصول و شعائر یک مذهب، در نظر و

1. Religion

2. Jones and Leal

عمل، پیروی از آن دین را اتخاذ می‌کند، به نحوی که این پیروی بر زندگی اجتماعی و غیردینی او تأثیر می‌گذارد (انوری، ۱۳۷۳: ۱۵۶).

در ایران دین به عنوان نهادی بانفوذ و مؤثر در عرصه زندگی اجتماعی همواره مطرح بوده است، به خصوص پس از پیروزی انقلاب، دین با کنترل نهاد سیاست توانسته است گستره وسیع‌تری از زندگی را تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به آن چه بیان شد؛ پژوهش حاضر درصدد است که با هدف تعیین میزان مشارکت سیاسی و دینداری در جامعه نمونه و تبیین میزان تأثیر دینداری بر میزان مشارکت سیاسی، به بررسی رابطه میزان دینداری (به عنوان یکی مؤلفه‌های اصلی و مهم شکل‌دهنده نگرش و رفتار شهروندان جامعه ایران) با میزان مشارکت سیاسی در شهر کرج بپردازد.

۲. پیشینه تجربی تحقیق

نتایج پژوهشی که توسط احمدآبادی (۱۳۷۷) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان مورد مطالعه شهر شیراز» صورت گرفت، نشان داد که درجه مذهبی بودن جوانان در میزان مشارکت سیاسی مؤثر است و افراد مذهبی‌تر بیشتر از دیگران در فعالیت‌های سیاسی شرکت می‌کنند. همچنین درجه مذهبی بودن، اعتماد به دیگران، آگاهی سیاسی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سیاسی بودن خانواده، سیاسی بودن دوستان و اعتماد سیاسی، رابطه معناداری با مشارکت سیاسی جوانان دارد. امام جمعه‌زاده و همکارانش (۱۳۸۹) نیز در پژوهشی به بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان می‌پردازند. آن‌ها با تقسیم دینداری به دو بعد اعتقادی و اخلاقی نشان می‌دهند که همبستگی معناداری میان ابعاد دینداری و میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان وجود دارد. سید امامی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت سیاسی دانشجویان با ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی» به بررسی مشارکت سیاسی در سه سطح مشارکت سیاسی متعارف، اعتراضی و پست مدرن پرداخته است. در این پژوهش با استفاده از نظریه منابع سطوح مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. یافته‌های تحقیق مذکور با توجه به جمعیت خاص مورد بررسی، رابطه آماری معناداری را میان منابع اجتماعی-اقتصادی افراد و مشارکت سیاسی آنان نشان نمی‌دهد، اما برخی منابع انگیزشی یا روان‌شناختی مورد ادعای نظریه منابع به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت

سیاسی تأیید می‌شوند. در تحقیقی با عنوان «بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با رفتار انتخاباتی دانشجویان» توسط طالبان و میرزایی (۱۳۸۹) این سؤال مطرح شده است که میزان دینداری بر رفتار انتخاباتی در دو سطح گرایش و مشارکت چگونه است؟ نتایج این پژوهش بیانگر آن است که میزان دینداری اثر معناداری بر رفتار انتخاباتی (گرایش رأی دهی و میزان مشارکت افراد در انتخابات) دارد؛ به این صورت که میزان دینداری بیشتر به رأی دادن به اصول‌گرایان و مشارکت بالا در انتخابات منجر می‌شود و دینداری کمتر نیز موجب رأی دادن به اصلاح‌طلبان و مشارکت کمتر انتخابات می‌شود.

ویلیامز^۱ (۱۹۹۹) در رساله دکتری خود با عنوان «تجربه مذهبی و مشارکت سیاسی سیاه‌پوستان آمریکایی در یک ساختار شهری» به این نتیجه رسید که بین میزان حضور در کلیسا به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های دینداری و میزان مشارکت در انتخابات رابطه مثبت وجود دارد. گات و همکاران (۲۰۰۲) رابطه بین مذهب و مشارکت سیاسی را در بین گروه‌های مذهبی در آمریکا مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های این پژوهش نشان داده که میزان مشارکت سیاسی در میان گروه‌های مذهبی تفاوت معناداری دارد. شرکت‌کنندگان یهودی به نسبت مسیحیان بیشتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت دارند. در میان مسیحیان نیز، گروه‌های میانه‌رو و نوگرا به نسبت گروه‌های سکولار و غیرمذهبی مشارکت سیاسی بیشتری داشته‌اند. بر اساس تحقیقات گرلی^۲ (۱۹۹۷)، در کشورهایی که میزان دینداری پایین است میزان سرمایه اجتماعی و به‌ویژه مشارکت اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد. سکر^۳ و همکارانش (۱۹۹۰) در پژوهشی به نام اثر دینداری بر مشارکت سیاسی و عضویت در انجمن‌های اختیاری در بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان و مکالوسو و وانات^۴ (۱۹۷۹) در تحقیق خود به نام مشارکت انتخاباتی و دینداری به این نتیجه رسیدند که بین میزان دینداری (میزان کلیسا رفتن) و میزان مشارکت رأی دهی رابطه قوی و مثبتی وجود دارد به‌طوری‌که افرادی که دارای دینداری سطح بالا هستند نسبت به افرادی که دارای سطح پایین دینداری هستند، بیشتر در انتخابات مشارکت می‌کنند.

1. Williams

2. Greeley

3. Secret

4. Macaluso and Wanat

هافمن و دود^۱ (۲۰۰۸) بر اساس یافته‌های پژوهش خود استدلال می‌کنند افرادی که دارای جهت‌گیری مذهبی قوی‌تری هستند، از نظر معرفت سیاسی نیز در سطح بالایی قرار دارند و دین و مذهب تأثیر قابل ملاحظه‌ای در رفتارهای انتخاباتی این افراد دارد. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که هر دو مذهب اسلام و مسیحیت افراد را به مشارکت سیاسی فرا می‌خوانند اما مشارکت در بین افراد مسلمان بیشتر از افراد مسیحی بوده است. دیترام و همکارانش (۲۰۰۳) با تقسیم‌بندی دینداری به دو بعد ساختاری و شناختاری به بررسی ارتباط این دو بعد با رفتار انتخاباتی می‌پردازند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که بعد شناختاری دین تأثیر منفی بر روی شهروندی دموکراتیک می‌گذارد ولی بعد ساختاری مذهب محیط مناسبی را برای افزایش احساس اثربخشی سیاسی و اشکال مختلف مشارکت شهروندان فراهم می‌کند.

بیشتر تحقیقات صورت گرفته در این زمینه (ارتباط بین مذهب و مشارکت سیاسی)، در ادیان دیگری صورت گرفته و از آنجا که دین مبین اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی، ارائه‌دهنده کامل‌ترین سبک زندگی بشریت است و احکام آن حوزه‌های وسیع اخلاق فردی و اجتماعی، کنش‌های سیاسی و ارتباطات اجتماعی و فرهنگی را در برمی‌گیرد و تأکید فراوانی بر مشارکت پیروانش در حوزه‌های اجتماعی دارد؛ لذا مطالعه علمی اثرات و نقش متغیرهای مذهبی دین اسلام در مشارکت سیاسی یک ضرورت اساسی به نظر می‌رسد.

۳. چارچوب تئوریک تحقیق

۳-۱. مشارکت سیاسی

دائرةالمعارف بین‌المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی تعریف می‌کند (بیرو، ۱۳۷۰). به نظر هانتینگتون^۲ مشارکت سیاسی کوشش‌های شهروندان عادی برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی است. وی تلاش‌های مردم عادی در هر نوع نظام سیاسی جهت نفوذ بر کار حاکمان و تغییر رفتار آنان را از وجوه مشارکت سیاسی می‌داند (واینر و هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۱۳۹). میلبراث مشارکت سیاسی را رفتاری می‌داند که هدف از آن اثرگذاری یا قصد اثرگذاری بر امور حکومتی است. الن دوینوا مشارکت سیاسی را اساس

1. Hoffman and Dowd

2. Huntington

دموکراسی معرفی می‌کند. از نظر وی دموکراسی چیزی نیست جز یک قالب سیاسی که در آن اکثر مردم می‌توانند در امور عامه شرکت جویند (دوبنوا، ۱۳۷۷).

طرح و پیگیری مشارکت مردمی در امور حکومتی و تصمیم‌گیری‌های دولتمردان از سوی خود آن‌ها و صاحب‌نظران مختلف با هدف دوام و بقای حکومت‌ها و افزایش مشروعیت نظام‌های سیاسی از یک‌سو و طرح اساسی‌ترین نیازها و منافع مردم در قالب شعارها و برنامه‌های کاندیداهای مختلف با هدف جلب آرای عمومی از سوی دیگر، بیانگر اهمیت این بحث نزد حکومت‌ها و مردم است.

امروزه در جوامع جدید این مشارکت در نهادهای سیاسی-اجتماعی همچون پارلمان، احزاب و... به صورتی منظم و قانونمند متبلور شده است. کارکردهای مشارکت سیاسی را به صورت فهرست‌وار می‌توان در عناوینی همچون جلوگیری از بی‌تفاوتی سیاسی، کاهش تعارض‌های خشونت‌آمیز، افزایش مقبولیت حکومت، بقای نظام دموکراتیک و اضمحلال نظام توتالیتری، ایجاد نشاط سیاسی و... خلاصه کرد (جعفری‌نیا، ۱۳۹۱).

اینگلههارت^۱، رابطه بین اعتماد^۲ و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او، اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت می‌باشد (اینگلههارت، ۱۳۷۳: ۳۷۸). دانیل لرنر بیان می‌کند که میزان همدلی با هم‌دیگر و مشارکت در نهادهای مشارکتی دو عنصر در هم تنیده هستند. (لرنر، ۱۹۶۴: ۶۰-۷۰). مارتین لیپست^۳ نیز معتقد است که این گروه‌های ثانویه و داوطلبانه که به منظور برآوردن نیازهای تفریحی و اوقات فراغت آن‌ها ایجاد شده‌اند، در جلب بیشتر مشارکت اعضاء مؤثر بوده است. لیپست و همکارانش درجه بالای روابط اجتماعی را عامل مهم در مشارکت می‌دانند (لیپست، ۱۳۸۳: ۷۶۲).

ساموئل هانتینگتون^۴؛ و نلسون مدعی‌اند که «عواملی مانند مهاجرت، جنگ خارجی، علایق مذهبی و عقیدتی؛ کاملاً مستقل از توسعه اقتصادی موجب ارتقاء آگاهی گروهی و دخالت در سازمان‌ها و نیز تشدید فعالیت‌های دولت می‌شوند که به نوبه خود محتمل است که مشارکت سیاسی را افزایش دهند» (رضائی، ۱۳۷۵: ۵۵). از نظر این دو نویسنده «مشارکت اجتماعی و سیاسی تابع دو عامل کلی نگرش‌ها و اولویت‌های نخبگان سیاسی، وضع گروه‌ها، انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی واسط در حوزه جامعه است» (رضائی، ۱۳۷۵: ۵۵). از دیدگاه فوق، مشارکت

1. Ingelhart
2. Trust
3. S.M.Lipset
4. S.Huntington

سیاسی و اجتماعی، بیشتر متأثر از مداخله و همکاری افراد در فعالیت‌ها، تشکل‌ها و سازمان‌هاست. یعنی میزان عضویت و همکاری فعال در گروه‌ها، انجمن‌ها، جماعات و نهادهای مردمی، احزاب سیاسی، نوعی بینش و مسئولیت فردی و جمعی برای فرد ایجاد می‌کند. لذا تداوم همکاری و مشارکت، برای او حکم یک ضرورت یا حتی یک وظیفه و تکلیف انسانی می‌شود. در واقع مشارکت از دیدگاه وی، فعالیت شهروندان خصوصی به‌منظور تأثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری‌های دولت است.

کیندر و کیویت^۱ معتقدند شخص به حکومتی رأی می‌دهد که بنا بر استنباطش به کشور خدمت کرده است، بدون ملاحظه این که چه تأثیری بر وضعیت مالی خودش گذاشته است. رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر، میزان زیاد بحث سیاسی و حمایت از نظم اجتماعی موجود نشانگان نگرش مثبت نسبت به جهانی که شخص در آن زندگی می‌کند دارد. رضایت از زندگی، خوشبختی، اعتماد به یکدیگر و این که شخص از دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی حمایت کند یا از جامعه کنونی خود، همه با هم در یک دسته فرهنگی که ارتباط تنگاتنگ با تداوم یا فقدان نهادهای دموکراتیک برای مدت طولانی در یک جامعه دارد گرد هم می‌آیند. کشورهای توسعه یافته‌تر از لحاظ رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر و دیگر عناصر این نشانگان نسبتاً در قسمت بالایی قرار دارند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۶).

رابرت دال^۲ استدلال می‌کند که طبقه یا قشر سیاسی به این دلیل در فرآیندهای سیاسی مداخله و مشارکت دارند که: ۱- برای پاداش یا مزایای حاصل از آن، ارزش بسیار فائق‌اند؛ ۲- تصور می‌کنند راه‌هایی که به این ترتیب ممکن است پیش رویشان قرار بگیرد مهم‌تر از راه‌های دیگر است؛ ۳- مطمئن است حتماً می‌تواند در نتایج تصمیمات تأثیرگذار باشد؛ ۴- معتقد است اگر خودش خوب کار نکند نتایج کارها برای او چندان رضایت‌بخش نخواهد بود؛ ۵- در مورد واقعه یا مسأله موردنظر، شناخت و مهارت کافی دارند یا لاقلاً فکر می‌کنند که از چنین آگاهی و دانشی برخوردارند؛ ۶- معتقدند برای پرداختن به عمل سیاسی و ورود به عرصه سیاست لازم نیست حتماً از موانع و سدهای چندان بگذرند (دال، ۱۳۶۴: ۴۸-۱۴۲).

رابرت لین^۳ اثربخشی را احساس تسلط و کنترل داشتن روی خویش و محیط در جهت حسی از سودمند بودن سیاسی تعریف می‌کند. این احساس مردم را به جهتی سوق می‌دهد

1. Kyndr and Kyvyt

2. Robert Dahl

3. Rabert Lane

که نسبت به روند سیاسی خود هوشیارتر شوند و در روند سیاسی مشارکت فعال‌تری داشته باشد. بسیاری از پژوهشگران اثربخشی را متغیری کلیدی در فعالیت سیاسی به‌شمار آورده‌اند. آنان در مطالعات خود دریافته‌اند که ارزیابی فرد از میزان اثربخشی و از توانایی و شایستگی‌اش در مشارکت سیاسی بر تمایل وی به مشارکت در امور سیاسی تأثیر می‌گذارد (پالمر و اشترن، ۱۳۶۷: ۱۵۹).

۳-۲. دینداری

دینداری عبارت است از میزان علاقه و احترامی که پیروان یک دین برای آن قائل هستند (سراج‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۵). الوود^۱ معتقد است که دین ارزشی والا است که بر روحيات و نوع عملکرد افراد در زندگی اثر گذاشته و مهمترین پیامد دین در جامعه، تحکیم روابط اجتماعی افراد جامعه است (الوود، ۱۹۹۳: ۳۰۷). یک فرد دیندار کسی است که با آگاهی از اصول و شعائر یک مذهب به پیروی از آن می‌پردازد، به نحوی که این پیروی بر زندگی فردی و اجتماعی وی تأثیرگذار است (شهابی، ۱۳۸۲: ۴۰۴).

وربا^۲ و همکارانش استدلال می‌کنند که افرادی دارای جهت‌گیری‌های قوی دینی باشند، از طریق شرکت در اجلاس گروهی، سخنرانی در محافل عمومی، گفتگو با دیگران و یا نوشتن نامه به مقامات مهارت‌های مدنی خویش را افزایش می‌دهند. بدین ترتیب جهت‌گیری‌های مذهبی انبوهی از منابع را فراهم می‌کنند که باعث تقویت رفتارهای جمعی افراد می‌گردد (وربا و همکاران، ۱۹۹۳: ۴۵۳-۴۹۷). گرین‌برگ^۳ بیان دارد که روابط سیاسی متأثر از دینداری نه تنها انگیزه افراد برای رأی‌دهی را افزایش می‌دهد، بلکه آن همچنین افراد را قادر می‌سازد تا احساس کنند که تأثیر آن‌ها بر روی فرآیندهای سیاسی بهتر و مؤثرتر صورت می‌گیرد (گرین‌برگ، ۲۰۰۰: ۳۷۷-۳۹۴). از نظر گیرتز^۴، دین از طریق ارائه چشم‌اندازهای مذهبی برای مؤمنان به حل مسأله معنا برای دینداران می‌پردازد. از نظر او دین نه تنها کوششی در جهت توجیه جنبه‌های شگفت‌انگیز جهان، بلکه در زمینه‌ای گسترده‌تر برای یکنواختی زندگی نیز اعتباری فراهم می‌سازد (گیرتز، ۱۹۷۳: ۹۰). رافل و سوزیر^۵ استدلال می‌کنند که مناسک جمعی هدف مفیدی را دنبال می‌کنند که همانا

1. Ellwood

2. Verba

3. Greenberg

4. Geertz

5. Ruffle and Sosis

برانگیختن انسجام اجتماعی و تقویت حس همکاری در افراد است (رافل و سوزیر، ۲۰۰۷)، دمراس^۱ نیز بیان می‌کند که در سطح خرد می‌توان مذهب را به مفهوم سرمایه اجتماعی در نظر گرفت که با تمرین دادن افراد، مشارکت کردن را در آن‌ها تقویت می‌کند و باعث می‌شود مشارکت اجتماعی و سیاسی در ایشان رشد یابد (دمراس، ۲۰۰۳: ۳۴۸). دورکیم دین را عامل همبستگی می‌داند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۷۸). دیویس دین را عامل انسجام بخش و تقویت همکاری اعضا و ادای دین را هنجاربخش و نظم‌آفرین می‌داند (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶: ۸۱). از نظر ماکس وبر دین می‌تواند بر شبکه اعتماد در بین افراد اثر مثبت گذارد که برای روابط و مبادله ضروری است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۵۳). پاتنام نیز یکی از کارکردهای مهم دین را افزایش سرمایه اجتماعی می‌داند (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶: ۸۱). کتابی معتقد است که مذهب می‌تواند حس اعتماد، پیوند، هویت مشترک همبستگی اجتماعی و روحیه همکاری و تعاون را در افراد ایجاد کند (کتابی، ۱۳۸۳: ۱۸۰).

تأثیر دین در گسترش مشارکت مردمی در طول تاریخ به‌ویژه در جهان اسلام انکارناپذیر است. ابن خلدون^۲، متفکر بزرگ اسلامی درباره نقش دین در مشارکت می‌گوید: «و دین در بین نیروها وحدت می‌آفریند، رقابت‌ها و حسادت‌ها را از بین می‌برد و به افراد، روحیه ایثار می‌بخشد. این روحیه به افزایش مشارکت و ایجاد دولت‌های وسیع می‌انجامد. چنانچه باورهای مذهبی به‌دلیل تجمل‌پرستی و غیره به رکود گراید، وحدت اجتماعی متزلزل می‌شود (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۳۲۰). آیات بسیاری وجود دارند که به‌طور شفاف و روشن حاوی پیام‌هایی در این مورد هستند. به‌عنوان نمونه به دو مورد اشاره می‌کنیم:

الف) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۵۹:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِن حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ سْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ».

مرحمت خدا تو را با خلق خوشخوی گردانید و اگر سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند پس چون امت بد کنند از آنان درگذر و از خدا بر آن‌ها طلب آمرزش کن و برای دلجویی آن‌ها در کار جنگ مشورت نما، لیکن آنچه خود تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد.

ب) سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۳۸:

1. Demerath
2. Ibn khaldun

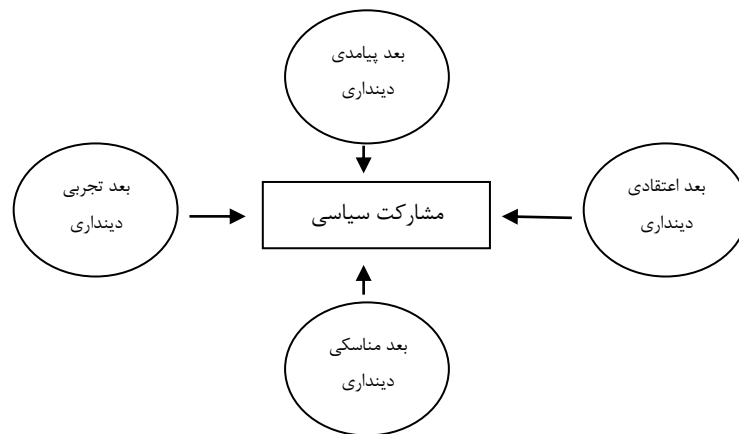
«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ».

و آنان که امر خدا اجابت کردند و نماز را به پای داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام دهند و از آنچه روزی آن‌ها کردیم به فقیران انفاق می‌کنند.

حضرت علی(ع) نیز در نامه‌ی معروف خود به مالک اشتر، عامه‌ی مردم را سازوبرگی می‌داند که والی، در انجام امور مملکت (مانند: دفع دشمن و...) باید به آن‌ها توجه کامل داشته باشد؛ و پس از آن اهمیت اصناف مختلف مردم را این‌گونه بیان می‌نماید: «بدان که رعیت را صنف‌هایی است که کارشان جز به یکدیگر اصلاح نشود و از یکدیگر بی‌نیاز نباشند» (نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی آیتی، ۱۳۷۸: ۷۲۷).

۴. فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد بین بعد اعتقادی دینداری و مشارکت سیاسی رابطه مثبتی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بعد مناسکی دینداری و مشارکت سیاسی رابطه مثبتی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بعد تجربی دینداری و مشارکت سیاسی رابطه مثبتی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بعد پیامدی دینداری و مشارکت سیاسی رابطه مثبتی وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای تحقیق و میزان مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.



شکل ۱: مدل تحلیلی تحقیق

۵. روش‌شناسی

روش به کار رفته در این مقاله پیمایش و واحد مشاهده و تحلیل فرد است؛ برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده و پرسشنامه حاوی سنجه‌هایی برای سنجش متغیرهای اصلی تحقیق می‌باشد. برای آزمون روایی سنجه‌ها از روش آزمون صوری یعنی نظر کارشناسان استفاده شده و برای آزمون پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. جامعه آماری این تحقیق تمامی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج هستند. بر اساس آماری که از مرکز آمار ایران اخذ شد این جمعیت در سال ۱۳۹۰ برای شهر کرج برابر با ۱۹۶۷۰۰۵ نفر می‌باشد. جهت اجرا و توزیع پرسشنامه در میان نمونه آماری، روش برگزیده و مناسب تشخیص داده شده در این تحقیق روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای^۱ است. برای تعیین حجم نمونه تحقیق از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شده که در این فرمول با جمعیت ۱۹۶۷۰۰۵ نفر، دقت احتمالی حدود ۵ درصد و با فرض بیشترین پراکندگی صفات مورد مطالعه و $(P = ۰/۵)$ و $(q = ۰/۵)$ حجم نمونه برابر ۳۸۴ نفر برآورد شده است. با پیش‌بینی ریزش احتمالی نمونه، حدود ۵ درصد به‌اندازه‌ی نمونه افزوده شده و در نهایت ۴۰۰ نفر به‌عنوان نمونه‌ی اصلی پژوهش تعیین گردید.

۶. تعریف متغیرها و تعیین شاخص‌ها

۶-۱. مشارکت سیاسی

تعریف نظری: مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران، سیاست‌ها و اداره عمومی در هر حکومت محلی و ملی است (وینر، ۱۹۷۱: ۱۵۹-۲۱۴). در تعریف مشارکت سیاسی، نظریه‌پردازان حوزه علوم اجتماعی تعریف‌های مختلفی دارند اما اکثراً بر مؤلفه‌های زیر در تعریف مشارکت تأکید می‌کنند: فعالیت‌های ارادی، فعالیت مستقیم یا غیرمستقیم، سهمین شدن مردم در تصمیم‌گیری‌ها، درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، داشتن مقام رسمی سیاسی یا اجتماعی، تلاش سازمان‌یافته شهروندان، تأثیر بر هدایت سیاسی جامعه (قراخانی، ۱۳۸۲؛ رضایی، ۱۳۷۵؛ وان دت، ۲۰۰۱؛ راش، ۱۳۷۷).

1. Cluster sampling

تعریف عملیاتی: با توجه به اهمیت متغیر وابسته این پژوهش و نیز مفهومی بودن این متغیر، نحوه‌ی عملیاتی کردن جهت سنجش آن تشریح می‌گردد. این متغیر به لحاظ عملیاتی در دو سطح ذهنی^۱ - گرایشی^۲ و عینی^۳ - رفتاری^۴ مورد سنجش قرار گرفته است.

الف) سطح ذهنی - گرایشی با توجه به معرف‌های زیر عملیاتی شده است:
داشتن روحیه مشارکتی (۵ گویه)، ارزیابی میزان تأثیرگذاری (۲ گویه)، داشتن آگاهی و اطلاعات (۲ گویه). مقدار آلفای کل شاخص ۰/۷۲ می‌باشد.

ب) سطح عینی - رفتاری با توجه به معرف‌های زیر عملیاتی می‌شود:
عضویت مشارکتی (بعد نظارتی و میزان عضویت و فعالیت) (برای عضویت در هر مجمع یک نمره) (۸ گویه).

موقعیت مشارکتی: دارای مسؤولیت (نمره ۳) فعال (نمره ۲) و عادی (نمره ۱) (۱ گویه).

جدول ۱: گویه‌های شاخص مشارکت سیاسی (سطح ذهنی - گرایشی)

معرف‌ها	گویه‌ها	آلفا با حذف گویه	آلفا کل شاخص
داشتن روحیه مشارکتی	آنقدر در زندگی خود گرفتارم که نمی‌توانم به سیاست فکر کنم.	۰/۷۱	۰/۷۲
	هر فردی مسؤول زندگی و کار و بار خودش است و نه مسؤول زندگی و کار و بار دیگران.	۰/۷۳	
	به شرکت در انتخابات و رأی دادن به کاندیدای موردنظر خود علاقه‌مند هستم.	۰/۷۰	
	به همکاری در ستاد انتخاباتی یک یا چند نفر از نامزدهای انتخاباتی علاقه‌مند هستم.	۰/۶۸	
ارزیابی میزان تأثیرگذاری	علاقه‌مند به شرکت در جلسات سخنرانی فعالان سیاسی هستم.	۰/۷۱	۰/۷۲
	با شرکت در انتخابات و انداختن یک رأی در صندوق هیچ تأثیری بر انتخابات نمی‌توان گذاشت.	۰/۶۹	
داشتن آگاهی و اطلاعات	افرادى مثل من در تعیین یا تغییر امور سیاسی کشور نقش و مسؤولیت دارند.	۰/۷۱	۰/۷۲
	سیاست آن‌قدر پیچیده است که افرادی مثل من نمی‌توانند از آن سر در بیاورند.	۰/۷۲	
	فکر می‌کنم توانایی و اطلاعات کافی برای مشارکت در امور اجتماعی - سیاسی کشور را دارم.	۰/۷۱	

1. subjective
2. Attitudinal
3. Objective
4. Behavioural

جدول ۲: گویه‌های شاخص مشارکت سیاسی (سطح عینی-رفتاری)

گویه‌ها
میزان مشارکت خود را در انتخابات شورای شهر چگونه ارزیابی می‌کنید؟
میزان مشارکت خود را در انتخابات نمایندگان مجلس چگونه ارزیابی می‌کنید؟
میزان مشارکت خود را در انتخابات ریاست جمهوری چگونه ارزیابی می‌کنید؟
فعالیت خود را در ستادهای انتخاباتی کاندیدها در زمان انتخابات چگونه ارزیابی می‌کنید؟
میزان شرکت خود در راهپیمایی‌های سراسری و عمومی مانند ۲۲ بهمن و روز قدس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
در کدامیک از گروه‌ها، انجمن‌ها، تشکل‌ها و... عضویت دارید؟
از مجامعی که در آن عضویت دارید کدام یک برای شما اهمیت بیشتری دارد، موقعیت مشارکتی خود را در آن مشخص نمایید؟

۲-۶. دینداری

تعریف نظری: دینداری را اغلب به معنای دینی بودن، التزام دینی و پایبندی دینی در نظر گرفته‌اند. این تعریف از دینداری مبتنی بر تعریف دین است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۵۹).

تعریف عملیاتی: دینداری در این تحقیق به وسیله‌ی سنجش‌های اندازه‌گیری می‌شود که بر پایه‌ی مقیاس سنجش دینداری برای سنجش ابعاد چندگانه دینداری استفاده شده است. این پرسش‌نامه توسط سراج‌زاده (۱۳۷۷) تهیه گردیده است. سنجش دینداری، ۲۶ سؤال و چهار زیر مقیاس اعتقادی، تجربه‌ای، پیامدی و مناسکی دارد. سؤالات این پرسش‌نامه نگرشی هستند و بر اساس سیستم لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند. به این ترتیب، نمره هر آزمودنی در این پرسش‌نامه از ۲۶ تا ۱۳۰ متغیر بوده و نمره بالاتر نمایانگر دینداری بیشتر است.

جدول ۳: گویه‌های شاخص دینداری

آلفا کل شاخص	آلفا با حذف هر گویه	گویه‌ها
۰/۸۳	۰/۷۹	۱- شیطان واقعا وجود دارد.
	۰/۸۱	۲- اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم، فساد همه‌جا را پر می‌کند.
	۰/۷۸	۳- در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود.
	۰/۸۰	۴- قرآن کلام خداوند است و هر چه می‌گوید، حقیقت محض است.
	۰/۸۰	۵- این دنیای پر از ظلم و ستم با ظهور حضرت مهدی (عج) پر از عدل و داد خواهد شد.
	۰/۸۳	۶- من به وجود فرشتگان اعتقاد دارم.
	۰/۸۱	۷- هنوز مطمئن نیستم که خداوند واقعا وجود دارد.
	۰/۷۸	۸- کسی که به خدا ایمان دارد، از مرگ نمی‌ترسد.

۰/۸۱	۹- گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام.
۰/۷۷	۱۰- بدون اعتقادات دینی، احساس می‌کنم زندگی پوچ و بی‌هدف است.
۰/۸۳	۱۱- هرگاه به حرم یکی از امامان و اولیاء می‌روم، احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد.
۰/۸۰	۱۲- بعضی وقت‌ها احساس ترس از خداوند به من دست می‌دهد.
۰/۸۱	۱۳- گاهی احساس توبه می‌کنم و از خداوند می‌خواهم برای جبران گناهانم به من کمک کند.
۰/۷۹	۱۴- در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی نباید این قدر سخت‌گیری کرد.
۰/۸۴	۱۵- تقلب در پرداخت مالیات کار نادرستی است.
۰/۸۱	۱۶- رهبران سیاسی باید کاردان باشند، مذهبی بودن و نبودنشان چندان مهم نیست.
۰/۷۹	۱۷- به نظر می‌رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی‌توان در جامعه امروزی اجرا کرد.
۰/۸۲	۱۸- با پدیده بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد.
۰/۸۱	۱۹- زنان هم باید بتوانند به‌عنوان تماشاچی در مسابقات ورزشی مثل فوتبال شرکت کنند.
۰/۸۰	۱- شیطان واقعاً وجود دارد.
۰/۸۱	۲۰- هر چند وقت یک بار برای ادای نماز جماعت به مسجد می‌روید؟
۰/۸۳	۲۱- در ایام ماه رمضان (چنانچه مریض یا بیمار نباشید) چقدر روزه می‌گیرید؟
۰/۷۹	۲۲- تا چه حد قرآن می‌خوانید؟
۰/۸۰	۲۳- تا چه حد با مسجد محل یا هر مؤسسه اسلامی دیگر همکاری دارید؟
۰/۸۲	۲۴- آیا نماز می‌خوانید؟
۰/۸۱	۲۵- آیا در نماز جمعه شرکت می‌کنید؟
۰/۸۲	۲۶- آیا در اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها که در مساجد و تکیه‌ها تشکیل می‌شود، شرکت می‌کنید؟

۷. یافته‌های تحقیق

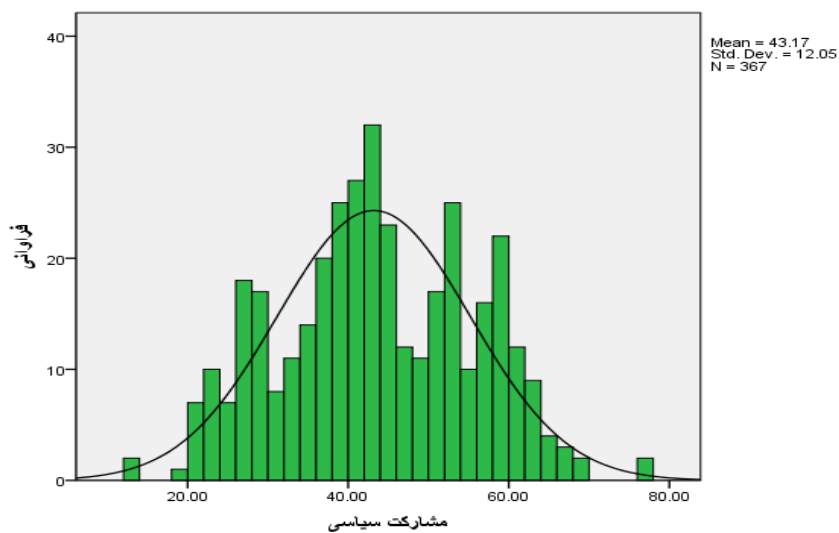
بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، از مجموع ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۷۴/۸ درصد از پاسخگویان را مردان و ۲۳/۳ درصد از پاسخگویان را زنان تشکیل می‌دهند. کوچک‌ترین سن در میان افراد ۱۸ و بیشترین ۷۰ و میانگین سنی، ۲۷/۲۷ سال بوده است. به لحاظ وضعیت سواد نیز بیشترین فراوانی مربوط به دیپلم تعداد ۱۲۹ نفر یعنی ۳۲ درصد، لیسانس ۱۱۹ نفر یعنی ۲۹/۸ درصد و فوق‌لیسانس به تعداد ۸۶ نفر یعنی ۲۱/۵ درصد است. به لحاظ وضعیت تأهل، اکثریت افراد را مجردها تشکیل می‌دهند. ۶۶/۵ درصد افراد مجرد بودند و تنها ۳۳/۵ درصد از پاسخگویان متأهل بودند. به لحاظ درآمد نیز میانگین درآمد برابر با ۷۰۶ هزار تومان می‌باشد.

۷-۱. مشارکت سیاسی

میانگین نمره مشارکت افراد ۴۳/۱۷۴۴ می‌باشد که ۱۸۹ نفر افراد یعنی ۴۷/۳ درصد از افراد مشارکت متوسطی دارند و ۲۵/۳ درصد نیز مشارکت پایینی دارند. همچنین ۱۸ درصد از پاسخگویان دارای مشارکت بالا و ۰/۸ درصد مشارکت بسیار پایین و ۰/۵ درصد هم مشارکت بسیار بالا را در حوزه سیاسی را دارند.

جدول ۴: توزیع فراوانی افراد با توجه به مشارکت سیاسی

درصد	فراوانی	ابعاد
۰/۸	۳	مشارکت بسیار پایین
۲۵/۳	۱۰۱	مشارکت پایین
۴۷/۳	۱۸۹	مشارکت متوسط
۱۸	۷۲	مشارکت بالا
۰/۵	۲	مشارکت بسیار بالا
۹۱/۸	۳۶۷	جمع
۸/۳	۳۳	مقادیر گم‌شده
۱۰۰	۴۰۰	جمع کل



نمودار ۱: نمودار هیستوگرام مشارکت سیاسی

۲-۷. دینداری

میانگین میزان دینداری برابر با ۲۴/۵۹ می‌باشد. ۳۷/۵ درصد پاسخگویان دارای میزان دینداری متوسط و نیز ۴۰/۵ درصد افراد نمونه دارای میزان دینداری بالا هستند که نشان‌دهنده میزان دینداری بالا در بین افراد نمونه تحقیق بود.

جدول ۵: فراوانی افراد با توجه به میزان دینداری

ابعاد	فراوانی	درصد
دینداری بسیار پایین	۰	۰
دینداری پایین	۳۲	۸
دینداری متوسط	۱۵۰	۳۷/۵
دینداری بالا	۱۶۲	۴۰/۵
دینداری بسیار بالا	۳۳	۸/۳
جمع	۳۷۷	۹۴/۳
مقادیر گم‌شده	۲۳	۵/۸
جمع کل	۴۰۰	۱۰۰

۸. یافته‌های تبیینی

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، شاخص دینداری و ابعاد آن؛ بعد اعتقادی، بعد مناسکی، بعد تجربی و بعد پیامدی رابطه معناداری در سطح کمتر از یک‌صدم را با متغیر وابسته تحقیق دارند که رابطه آن‌ها مثبت می‌باشد.

جدول ۶: نتایج همبستگی متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی	سطح معناداری	متغیرها
۰/۱۳۷	ضریب همبستگی پیرسون	بعد اعتقادی دینداری
۰/۰۰۹	سطح معناداری (دو طرفه)	
۰/۴۴۱	ضریب همبستگی پیرسون	بعد مناسکی دینداری
۰/۰۰۰	سطح معناداری (دو طرفه)	
۰/۲۳۵	ضریب همبستگی پیرسون	بعد تجربی دینداری
۰/۰۰۰	سطح معناداری (دو طرفه)	
۰/۳۴۳	ضریب همبستگی پیرسون	بعد پیامدی دینداری
۰/۰۰۰	سطح معناداری (دو طرفه)	

هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد رابطه بین دو متغیر درآمد و مشارکت سیاسی در سطح معناداری ۰/۰۴۷ می‌باشد که رابطه معناداری را نشان می‌دهد؛ اما شدت رابطه برابر با

۰/۱۰۴- است که نشان‌دهنده رابطه منفی و ضعیفی بین درآمد و مشارکت سیاسی است. بین متغیرهای سن و تحصیلات با مشارکت سیاسی رابطه معناداری مشاهده نگردید.

جدول ۷: نتایج همبستگی متغیرهای مستقل زمینه‌ای با مشارکت سیاسی

۰/۲۳	ضریب همبستگی پیرسون	سن
۰/۶۵۸	سطح معناداری (دو طرفه)	
۰/۱۰۱	ضریب همبستگی پیرسون	تحصیلات
۰/۵۴	سطح معناداری (دو طرفه)	
-۰/۱۰۴	ضریب همبستگی پیرسون	درآمد
۰/۰۴۷	سطح معناداری (دو طرفه)	

نتایج آزمون t در این تحقیق نیز نشان از تفاوت معنادار میانگین مشارکت سیاسی مردان و زنان است. مردان با میانگین ۴۴/۶۴ میزان مشارکت سیاسی بیشتری از زنان با میانگین ۳۸/۶۵ دارند. بر طبق آزمون اتا^۱ شدت رابطه بین جنسیت و مشارکت سیاسی برابر با ۰/۵۱ می‌باشد.

جدول ۸: بررسی میزان مشارکت سیاسی با توجه متغیر جنسیت

سطح معناداری (دو طرفه)	آزمون T	سطح معناداری	آزمون F		
۰/۰۰۰	-۴/۱۸۷	۰/۸۶۷	۰/۰۲۸	فرض برابری	مشارکت
۰/۰۰۰	-۴/۱۹۳			فرض نابرابری	

برای کنترل اثر متغیرهای مستقل بر میزان پراکندگی نمرات مشارکت سیاسی، متغیرهای مذکور وارد مدل رگرسیون شدند که نتایج آن در جدول ۹ گزارش شده است.

جدول ۹. نتایج تحلیل رگرسیون برای رابطه متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی

متغیر	بعد مناسکی	بعد پیامدی	بعد اعتقادی	بعد تجربی	سن	تحصیلات	جنسیت	R	ضریب تعیین	F	sig
Beta	۰/۴۰۰	۰/۱۴۷	-۰/۰۹	-۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۱۶۴	۰/۵۱۵	۰/۲۶۵	۱۲	۰/۰۰۰
Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۲	۰/۱۱	۰/۵۸	۰/۷۱	۰/۲۳	۰/۰۰۲				

1. Eta

همان‌طور که از جدول ۹ مشخص است؛ ضریب همبستگی چندگانه $0/515$ نشان می‌دهد که همبستگی متوسط و خوبی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته وجود دارد. با توجه به ضریب تعیین تعدیل‌شده؛ در تحلیل نهایی $26/5$ درصد از پراکندگی نمرات مشارکت سیاسی از طریق متغیرهای مستقل تحقیق قابل پیش‌بینی است. همچنین نتیجه آزمون F که در سطح کوچک‌تر از یک درصد معنادار است نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی تحقیق مدل مناسبی می‌باشد و قادر است به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد. از بین متغیرهای واردشده بعد مناسکی دینداری بیشترین قدرت را در تبیین تغییرات مشارکت سیاسی دارد و متغیرهای جنسیت و بعد پیامدی دینداری نیز اثر مثبتی و معناداری را دارند.

۹. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل برقراری وفاق، اقتدار و بالا بردن ضریب امنیت ملی، مشارکت مردمی در صحنه‌های گوناگون ملی است. مشارکت سیاسی مردم در واقع تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات است، زیرا مشارکت مردمی می‌تواند به مثابه مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل معضله‌ها و بحران‌های سیاسی-اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد و هر دولتی که بتواند جلوه‌های بیشتری از همکاری و همدلی توده‌های مردمی را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به‌ویژه در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی جلب کند، می‌تواند در جامعه بین‌المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت بالاتری برخوردار شود. از آنجا که مشارکت سیاسی پدیده پیچیده‌ای است و یک نظریه و الگو نمی‌تواند تبیین جامعه داشته باشد، بنابراین نیازمند اتخاذ یک دیدگاه ترکیبی برای تبیین موضوع پژوهش حاضر هستیم. لذا با توجه به ادبیات تجربی و ادبیات نظری موجود در حوزه علوم اجتماعی، پژوهش پیش‌رو تأثیر دینداری را بر مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار داد و محقق به این نتیجه رسید که در ترغیب و انگیزش مردم به مشارکت سیاسی، دینداری تأثیر قابل‌تأملی دارد.

با توجه به یافته‌های تجربی تحقیق، میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان در سطح متوسطی ($43/17$) قرار دارد که $47/3$ درصد از افراد مشارکت متوسط، 18 درصد مشارکت بالا و $25/3$ درصد نیز مشارکت پایینی دارند. نتایج آزمون همبستگی (پیرسون) نشان از این دارد که شاخص دینداری و ابعاد آن؛ بعد اعتقادی، بعد مناسکی، بعد تجربی و بعد پیامدی رابطه معناداری در سطح کمتر از یک صدم را با متغیر وابسته تحقیق دارند که رابطه آن‌ها

مثبت می‌باشد. از بین متغیرهای وارد شده در آزمون رگرسیون، بعد مناسکی دینداری بیشترین قدرت را در تبیین تغییرات مشارکت سیاسی دارد که این امر می‌تواند دلیل بر حضور پر شور مردم در مراسمات محرم، هیأت‌های عزاداری و شرکت در نماز جمعه و... باشد که تأثیری فراوان در تشویق به امر مشارکت به‌ویژه مشارکت در امور سیاسی می‌باشد. بنابراین فرضیه‌های تحقیق مبنی بر اینکه با افزایش میزان دینداری، افزایش میزان مشارکت سیاسی را به دنبال دارد مورد تأیید قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد استنباط به‌دست‌آمده نه تنها به دلیل حاکمیت یک حکومت دینی است، بلکه قویاً ناشی از محتوای مشارکتی دین و به‌ویژه دین اسلام در امور سیاسی و اجتماعی جامعه است، به طوری که بی-تفاوتی نسبت به جامعه و حاکمیت از نظر شعائر دینی کاملاً مذموم و مطرود می‌باشد. به تبعیت از حاکمیت اسلامی و شعائر دینی، میزان دینداری در نمونه مورد بررسی در حد بالا و مطلوبی قرار دارد.

نتایج این تحقیق تأییدکننده نتایج پژوهش‌های (احمدآبادی، ۱۳۷۷؛ امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ سیدامامی، ۱۳۸۶؛ طالبان و میرزایی، ۱۳۸۹) است که افزایش میزان دینداری و درجه مذهبی بودن را مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی افراد می‌دانستند. همچنین نتایج پژوهش‌های (گریلی، ۱۹۹۷؛ سکر و همکاران، ۱۹۹۰؛ مکالوسو و وانان، ۱۹۷۹؛ ویلیامز، ۱۹۹۹؛ هافمن و دود، ۲۰۰۸؛ دیترام و همکاران، ۲۰۰۳) که بیان دارند بین مذهب و شرکت در امور مذهبی با مشارکت در امور سیاسی و میزان شرکت در انتخابات رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد؛ تأیید می‌شوند. هافمن و دود و همچنین دیترام و همکارانش معتقدند ساختار مذهب محیط مناسبی را برای افزایش احساس اثربخشی سیاسی و اشکال مختلف مشارکت شهروندان فراهم می‌کند.

نتایج این پژوهش در راستای نظریه‌های اینگلههارت (۱۳۷۳)، وربا و همکاران (۱۹۹۳)، گرین‌برگ (۲۰۰۰)، گیرتز (۱۹۷۳)، رافل و سوزیر (۲۰۰۷)، دمراس (۲۰۰۳)، پناهی و شایگان (۱۳۸۶)، کتابی (۱۳۸۳)، کیندر و کیویت (۱۹۷۹) است که اعتقاد دارند دین روحیه همدلی، همبستگی اجتماعی و انگیزه مشارکت را افزایش می‌دهد و به فرد القا می‌کند که در روند امور جامعه بی‌تفاوت و منفعل نباشد و نقشی فعال در روند سیاسی آن بر عهده بگیرد. از دیدگاه هانتینگتون و نلسون، مشارکت سیاسی بیشتر متأثر از مداخله و همکاری افراد در فعالیت‌ها، تشکلهای سازمان‌هاست. یعنی میزان عضویت و همکاری فعال در گروه‌ها، انجمن‌ها، جماعات و نهادهای مردمی، احزاب سیاسی، نوعی بینش و مسؤولیت فردی و جمعی برای فرد ایجاد می‌کند.

لذا تداوم همکاری و مشارکت، برای او حکم یک ضرورت یا حتی یک وظیفه و تکلیف انسانی می‌شود. در واقع مشارکت از دیدگاه وی، فعالیت شهروندان خصوصی به‌منظور تأثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری‌های دولت است. به عقیده این خلدون نیز؛ دین در بین نیروها وحدت می‌آفریند، رقابت‌ها و حسادت‌ها را از بین می‌برد و به افراد، روحیه ایثار می‌بخشد. این روحیه به افزایش مشارکت و ایجاد دولت‌های وسیع می‌انجامد. چنان‌چه باورهای مذهبی به دلیل تجمل‌پرستی و غیره به رکود گراید، وحدت اجتماعی متزلزل می‌شود.

با توجه به این‌که جامعه ایران یک جامعه دینی است و افراد از همان سال‌های نخستین به‌طور رسمی و غیررسمی با آموزش‌های مذهبی روبه‌رو می‌شوند بنابراین با اصول اعتقادات مذهبی آشنا هستند. از طرف دیگر اسلام نه تنها فرد را در مقابل خداوند مسؤول و متعهد می‌داند بلکه او را در مقابل جامعه نیز مسؤول می‌داند. افرادی که بیشتر پایبند به امور دینی باشند خود را موظف خواهند دانست که در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته باشند. از نگاه دینی، فرد در مقابل خودش، خدایش، جامعه‌اش و غیره موظف است که نسبت به سرنوشت خود حساس باشد، در صحنه فعال باشد و از انحرافات دولتی جلوگیری کند.

بنابر آن‌چه در این تحقیق ذکر شد، پیشنهاد می‌گردد؛ به شهروندان القا شود که مشارکت آنان در اداره امور جامعه سمبلیک و نمادین نیست و تأثیرگذار است و باید به‌تدریج از حجم دخالت دولت در اداره امور کم گردد و این امور به شهروندان واگذار گردد تا جایی که نهادهای مردمی شکل‌گیرنده بدون این‌که وابسته به حکومت یا جریان خاص سیاسی باشند به فعالیت ادامه دهند. با عنایت به گستردگی و قوی بودن زمینه‌های مذهبی در جامعه، بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و محرک‌های قدسی مشوق و آمرانه، در برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف، نیز می‌تواند زمینه‌های مشارکت سیاسی مردم را بیشتر فراهم گرداند.

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۸۸)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- امام جمعه زاده، سیدجواد؛ محموداغلو، رضا و عیسی نژاد، امید (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان»، مجله پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲۱.
- انوری، حمیدرضا (۱۳۷۳)، پژوهشی راجع به تقدیرگرایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران
- اینکلههارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحویل فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- باقری احمدآبادی، محمدرضا (۱۳۷۷)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پالمر، مونتینی و اشترن، لاری (۱۳۶۷)، نگرش جدید به علم سیاست، مترجم: منوچهر شجاعی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- پناهی، محمدحسین و شایگان، فریبا (۱۳۸۶)، «اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی»، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۳۷.
- جعفری نیا، غلامرضا (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۲.
- حشمت یغمایی، محمدتقی (۱۳۸۰)، دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- دال، رابرت (۱۳۶۴)، تجزیه و تحلیل سیاست، ترجمه حسین مظفریان، تهران: مظفریان.
- دوبنوا، آلن (۱۳۷۷)، «مسئله دموکراسی»، ترجمه نادر بزرگ زاده، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۷-۷۸.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، «مشارکت اجتماعی، هدف یا ابزار توسعه»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۱۰۹-۱۱۰.
- سراج زاده، سیدحسین (۱۳۷۷)، «نگرش ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهران و دلالت های آن بر نظریه سکولار شدن»، نمایه پژوهش، شماره ۷ و ۸.

- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۳)، چالش‌های دین و مدرنیته: مقالاتی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن، تهران: طرح نو.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶)، «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال دوم، شماره ۱.
- شهابی، سیامک (۱۳۸۲)، بررسی اولویت‌های ارزشی جوانان روستایی و عوامل مؤثر بر آن، اصفهان: گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، جلد ۱ و ۲
- طالبان، محمدرضا و میرزایی، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با رفتار انتخاباتی دانشجویان»، *مجله دانشنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی کاشان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، *پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: نشر جامعه ایران.
- قاراخانی، علی (۱۳۸۲)، نقش سازمان‌های غیردولتی در تقویت مشارکت اجتماعی (مطالعه NGOS شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- کتابی، محمود؛ گنجی، محمد؛ معصومی، رضا و احمدی، یعقوب (۱۳۸۳)، «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی - فرهنگی»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، جلد هفدهم، شماره ۲.
- لیپیست، سیمور مارتین (۱۳۸۳)، *دایره‌المعارف دموکراسی*، مترجم کامران فانی و نورالله مرادی، تهران: وزارت امور خارجه
- واینر، مایرون و هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹)، *درک توسعه سیاسی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث.
- Demerath III, N. J. (2003), "Civil society and civil religion as mutually dependent. In: Dillon, M (Ed)". Handbook of the sociology of religion. University of Cambridge press, Cambridge, uk
- Ellwood, A (1993), "The social function of religion", *The American journal of sociology*. Vol 19
- Geertz, C. (1973), "Interpretation of culture", selected essays, New York, basic book.
- Greeley, A. (1997), "The other civic American, religion and social capital", the American prospect, 32.
- Greenberg, A. (2000), "The church and the revitalization of politics and community", *Political Science Quarterly*. 115: 377-394.
- Guth, J.; Green, J.; Kellstedt, L. and Smidt, C. (2002), "Religion and political participation, prepared for delivery at the 2002 Annual meeting of the American political science Association".

- Hoffman, A. and Dowd, R. (2008), "Religion Gender and Political Participation in Africa Lessons from Nigeria Senegal and Uganda De: Lessons from Nigeria, Senegal and Uganda". University of Notre Dame: Department of Political Science.
- Jones-Correa, M. and Leal, D. (2001), "Political Participation: Does Religion Matter? ", *Political Research Quarterly*. 54, 751-770.
- Lerner, D. (1964), *The passing of traditional society*, New york, The Macmillan com.
- Macaluso, T. F. and John, W. (1979), "Voting turnout & religiosity", *polity*, Vol 12, No 1
- Ruffle, B. J. and Sosis, R. H. (2007), "Does it pay to pray? Evaluating the economic return to religious ritual". B. E. *Journal of economic analysis and policy: contribution* 7, article 18
- Secret, E.; Philip, J. B.; Johnson, A. and Forrest, W. (1990), "The impact of religiosity on political participation and membership in voluntary associations among black and white Americans". *Journal of black studies*, Vol 21, No 1, the emerging African-American environment
- Stokes, A. K. (2003), "Latino group consciousness and political participation", *American Politics Research*. 31: 361-378.
- Van Deth, Jan W. (2001), *Studying political participation: Towards a Theory of everything?* Internet: Google site.
- Verba, S.; Scholozman, K. L.; Brady, H. and Nie, N. H. (1993), "Race, Ethnicity, and Political Resources: Participation in the United States", *British Journal of Political Science*. 23: 453-497.
- Weiner, M (1971), *Political participation in crises and sequences in political development*.
- Williams, S. D. (1999), *African-American religious experience and political participation in an urban setting*. Dissertation for the degree of doctor of philosophy wayne state university, Detroit. Michigan.